

تحلیل پیوند میان «تدبیر عقلی» و «وعدۀ نصرت الهی» در آیات ناظر به نبرد بدر

(با مطالعه موردی سوره‌های آل عمران و انفال)

دکتر علینقی لزگی

استادیار دانشکده معارف و الهیات، دانشگاه افسری امام علی (ع)، تهران، ایران

دکتر مهدی اسمعیلی صدرآبادی

استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشکده حضرت نرجس (س)، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، کرمان، ایران

امیرمحمد زنگنه زاوه (نویسنده مسئول)

طلبه سطح ۴ حوزه علمیه قم، قم، ایران

Email: zanganeh.zave@gmail.com

چکیده

مسئله چگونگی اتکا به وعده‌های الهی در شرایطی که محاسبات مادی، اقدام را غیرمنطقی یا پرخطر نشان می‌دهند، یکی از دغدغه‌های بنیادین در فهم تصمیم‌گیری‌های راهبردی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی است. این پژوهش با هدف تبیین نسبت میان «تدبیر عقلی» (محاسبات مادی) و «وعدۀ نصرت الهی» (اسباب غیبی) در آیات ناظر به نبرد بدر، با مطالعه موردی سوره‌های آل عمران و انفال، به این پرسش اصلی می‌پردازد که در شرایط تعارض ظاهری میان این دو، کدام یک اولویت دارد و چگونه اتکا به وعده الهی با وجود ضعف مادی مؤمنان به پیروزی منجر شده است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در نبرد بدر، مؤمنان علی‌رغم ضعف مادی و برخلاف محاسبات ظاهری، با اتکا به وعده صریح نصرت الهی و با تحقق شروطی چون ایمان، صبر، تقوا و استغاثه، وارد نبرد شدند؛ در این واقعه، اراده الهی بر احقاق حق و ابطال باطل از طریق رویارویی با لشکر مجهز قریش (ذات الشوکه) تعلق گرفت، برخلاف تمایل اولیه مؤمنان به درگیری با کاروان تجاری (غیر ذات الشوکه). این پیروزی از طریق سنت‌های الهی نظیر نصرت، امداد غیبی، احقاق حق و استجاب دعا محقق گردید و ثابت شد که با تحقق شروط لازم، وعده نصرت الهی می‌تواند بر محاسبات مادی اولویت یافته و مبنای اقدام قرار گیرد. این پژوهش استدلال می‌کند که الگوی بدر، تقابل عقل و ایمان نیست، بلکه یک نظام محاسباتی متعالی‌تر را به نمایش می‌گذارد که در آن، تدبیر عقلی ذیل یک عقلانیت ایمان‌محور و در چارچوب نظام طولی اسباب تعریف می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تدبیر عقلی، نصرت الهی، جنگ بدر، سنت‌های الهی، حکمرانی دفاعی.

قرآن کریم به مسئله غیب، باور به آن و عمل بر اساس آن توجه ویژه‌ای نشان داده است. غیب، در مقابل شهود، به عالمی اشاره دارد که با حواس ظاهری قابل ادراک نیست و خارج از دسترس ابزارهای مادی قرار دارد.^۱ در این راستا، قرآن گاه به اسباب طبیعی اشاره می‌کند که بر پایه قانون علیت، نظم عالم را شکل می‌دهند؛ اما در کنار این اسباب، اسباب غیبی نیز وجود دارند که از حیطه ادراک حسی و تدبیر عقلی مبتنی بر محاسبات مادی خارج‌اند. این اسباب که می‌توان از آنها به «عوامل فرامادی» تعبیر کرد، شامل عوامل انسانی (مانند بینش، منش و کنش) و غیرانسانی (مانند فرشتگان) می‌شوند و در طول علل مادی عمل می‌کنند.^۲ این اسباب غیبی، که در آیاتی مانند آیات ناظر به جنگ بدر برجسته شده‌اند، با سنت‌های الهی نظیر نصرت الهی، امداد غیبی، احقاق حق، ابطال باطل و استجابت دعای مومنان هم‌خوانی دارند و به‌عنوان قوانینی ثابت در نظام هستی جریان دارند. این سنت‌ها، قوانینی حقیقی، تخلف‌ناپذیر و جهان‌شمول هستند که خداوند بر اساس حکمت خود، جوامع را بر پایه آنها تدبیر می‌کند.^۳ در واقعه بدر، مؤمنان علی‌رغم ضعف مادی و بر خلاف محاسبات ظاهری، با اتکا به وعده‌های الهی به پیروزی دست یافتند، که این امر از طریق امدادهای غیبی مانند نزول ملائکه، باران و القای رعب در دل دشمنان محقق شد.

این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، به بررسی نسبت میان «تدبیر عقلی» و «وعده نصرت الهی» در آیات جنگ بدر می‌پردازد. لازم به ذکر است که منظور از «تدبیر عقلی» در این پژوهش، نه نفی کلیت عقل و خردورزی که خود از ارکان فهم دین است، بلکه اشاره به آن جنبه از عقلانیت است که دامنه محاسبات خود را به اسباب طبیعی و داده‌های محسوس محدود می‌کند و در چارچوب «دستگاه مشاهده‌محور» عمل می‌نماید. این نوع عقلانیت مادی‌نگر، در مقابل «عقلانیت ایمان‌محور» قرار می‌گیرد که علاوه بر اسباب مادی، به اسباب غیبی، سنت‌های تخلف‌ناپذیر و وعده‌های صریح الهی نیز به عنوان متغیرهایی قطعی و تعیین‌کننده در معادلات خود بها می‌دهد. وعده‌هایی که صدور خلف آن از خداوند به دلیل استناد به علم و قدرت مطلق او، محال است.^۴ از منظر حکمت متعالیه، اراده خداوند «اراده‌ای مطلقه و بالذات می‌باشد؛ اراده‌ای که همه اشیا عالم را فراگرفته است و هیچ ذره‌ای در عالم از سیطره اراده او خارج نیست».^۵ چنین اراده‌ای که عین ذات الهی است، نمی‌تواند متخلف باشد و لذا وعده‌های مبتنی بر آن، متغیرهایی قطعی در دستگاه محاسباتی ایمان‌محور محسوب می‌شوند. تمایز کلیدی این دو دستگاه در این است که در وعده‌های الهی، «نتیجه» قطعی و قابل پیش‌بینی است، اما «چگونگی» و «طریق» تحقق آن نتیجه در هاله‌ای از ابهام غیبی قرار دارد و همین ابهام، عرصه اصلی امتحان ایمان و اعتماد به غیب است.

^۱ طوسی، الأمالی، ج ۱، ۵۵؛ طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ج ۱، ۱۴؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ۴۵.

^۲ ترخان، «نقش و تأثیر علل و عوامل فرامادی در بلایای طبیعی»، ۳۶؛ آقا صفری، ریاحی مهر و خان فاضل اف، «مستندات قرآنی دیدگاه مقام معظم رهبری درباره شرایط بهره‌مندی از امدادهای غیبی»، ۱۱۱.

^۳ آقاجانی، «ویژگی‌ها و انواع سنت‌های الهی در تدبیر جوامع»، ۳۳، ۳۶؛ برمضان، «منظومه السنن الإلهیة فی القرآن الکریم ودورها فی التأسیل لفقه الحضارة الإسلامية»، ۵۱؛ اعرابی، «مبانی قرآنی و روایی مقاومت در کلام مقام معظم رهبری»، ۱۵۶.

^۴ موسوی‌زاده، «تبیین مولفه‌های وعده نصرت الهی در قرآن»، ۳؛ بنایی، «سنت امداد و گونه‌های آن در قرآن کریم»، ۴۸.

^۵ ساجدی، علی محمد و فاطمه زارع، «توحید افعالی در نظام فلسفی ملاصدرا»، فلسفه و کلام اسلامی ۴۷، ش ۱ (۱۳۹۳): ۹۲.

بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش این است: نسبت میان تدبیر عقلی (مبتنی بر محاسبات مادی) و وعده نصرت الهی (مبتنی بر ایمان به غیب) چیست و در شرایط تعارض ظاهری میان این دو، کدام یک اولویت دارد.

سؤالات فرعی عبارتند از: ۱) چگونه اتکا به وعده نصرت الهی در آیات سوره‌های آل عمران و انفال، با وجود ضعف مادی مؤمنان، به پیروزی منجر شده است. ۲) شروط تحقق وعده نصرت الهی در برابر محاسبات مادی چیست و این شروط در بدر چگونه محقق شدند. این مطالعه با تحلیل آیات بدر نشان می‌دهد که با تحقق شروطی مانند ایمان، صبر، تقوا و استغاثه، وعده نصرت الهی می‌تواند بر محاسبات مادی اولویت یابد و مبنای عمل قرار گیرد. این پژوهش ابتدا مفاهیم اسباب طبیعی، اسباب غیبی و سنت‌های الهی را تبیین کرده، سپس با بررسی آیات بدر، برتری وعده‌های الهی بر اسباب مادی را در شرایط خاص تحلیل می‌کند و در نهایت، پیامدهای عملی این دیدگاه را در حوزه حکمرانی دفاعی و نظامی، به‌ویژه در شرایط عدم توازن قوا، تبیین می‌نماید.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های متعددی به بررسی جنگ بدر و ابعاد تاریخی و تفسیری آن پرداخته‌اند، اما تحلیل نسبت میان اسباب مادی (تدبیر عقلی) و وعده‌های الهی (مبتنی بر اسباب غیبی) در آیات مرتبط با این واقعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، جعفریان^۶ در مقاله «نبرد بدر» به تشریح تاریخ و جزئیات این واقعه پرداخته، اما به رابطه اسباب مادی و غیبی در آیات بدر اشاره‌ای نکرده است. در حوزه اسباب طبیعی و غیبی، شیخ شعاعی^۷ در کتاب «تدبیر معیشت در کتاب و سنت» به بررسی اسباب رزق و معیشت از منظر قرآن و سنت پرداخته، اما این مطالعه به حیطه دفاعی و نظامی یا تحلیل آیات بدر نپرداخته است. خواجه‌پور^۸ در مقاله «عالم اسباب و چگونگی تاثیر و تاثیرپذیری آن در قرآن» نظام سببیت قرآنی را بررسی کرده و به تاثیر اسباب معنوی در کنار اسباب مادی اشاره نموده، اما این پژوهش نیز به‌طور خاص به آیات بدر یا نسبت آن‌ها با وعده نصرت الهی توجه نداشته است. اخلاصی فرداد^۹ در مقاله «تاثیر عوامل فرامادی در نظام هستی‌عاملیت الهی در قرآن» به نقش عوامل فراطبیعی در نظام علیت قرآنی پرداخته و نتیجه گرفته که اسباب الهی در چارچوب نظام سببیت عمل می‌کنند، اما این مطالعه به‌طور مستقیم به واقعه بدر یا سنت‌های الهی مانند نصرت و امداد غیبی نپرداخته است. همچنین، اعرابی، ناصح و جنتی^{۱۰} در مقاله «مبانی قرآنی نصرت الهی در کلام امام خمینی» نشان داده‌اند که اتکا به مبانی قرآنی نصرت الهی، حتی در شرایطی که محاسبات مادی پیروزی را غیرمحتمل نشان می‌داد، به تحقق امدادهای غیبی در نهضت اسلامی ایران منجر شد؛ با این حال، این پژوهش به تحلیل آیات بدر یا تبیین نسبت تدبیر عقلی و وعده‌های الهی محدود نمانده است. بنابراین، با وجود پژوهش‌های ارزشمند در حوزه‌های جنگ بدر، اسباب غیبی و سنت‌های الهی، شکاف پژوهشی مشخصی در این زمینه وجود دارد.

^۶ جعفریان، «نبرد بدر»، ۷۸-۵۷.

^۷ شیخ شعاعی، تدبیر معیشت در کتاب و سنت.

^۸ خواجه‌پور، «عالم اسباب و چگونگی تاثیر و تاثیرپذیری آن در قرآن»، ۲۰-۱.

^۹ اخلاصی فرداد، «تاثیر عوامل فرامادی در نظام هستی: عاملیت الهی در قرآن».

^{۱۰} اعرابی، «مبانی قرآنی و روایی مقاومت در کلام مقام معظم رهبری».

پژوهش‌های پیشین یا به توصیف تاریخی واقعه پرداخته‌اند (مانند جعفریان)، یا به صورت کلی نظام سببیت غیبی را بررسی کرده‌اند (مانند خواجه‌پور و اخلاصی فرداد)، و یا به کاربرد مفهوم نصرت الهی در دوران معاصر پرداخته‌اند (مانند اعرابی و همکاران). اما وجه تمایز و نوآوری پژوهش حاضر در چند محور کلیدی قابل تبیین است:

اولاً، این مقاله صرفاً به اثبات وجود اسباب غیبی نمی‌پردازد، بلکه به دنبال ارائه یک «چارچوب تحلیلی برای تصمیم‌گیری» در شرایط تعارض ظاهری میان داده‌های مادی و وعده‌های الهی است. ابداع و به‌کارگیری مفاهیمی چون «دستگاه محاسباتی ایمان‌محور» در مقابل «دستگاه مشاهده‌محور»، به این تحلیل عمق نظری بخشیده و آن را از یک بحث تفسیری صرف، به یک مدل کاربردی در حوزه عقلانیت راهبردی ارتقا می‌دهد.

ثانیاً، برخلاف مطالعات پیشین که امدادهای غیبی را به صورت کلی بررسی می‌کنند، این پژوهش به طور مشخص بر «نسبت‌سنجی میان دو نظام محاسباتی» در یک واقعه مشخص (جنگ بدر) تمرکز دارد و نشان می‌دهد که چگونه اولویت‌بخشی به وعده الهی، تابع شروط و ضوابطی دقیق (مانند ایمان، صبر و تقوا به مثابه «پارامترهای هوشمند») است و امری بی‌ضابطه نیست. این پژوهش با تحلیل دقیق این نسبت، به دنبال پر کردن شکاف موجود و ارائه چارچوبی برای فهم بهتر تصمیم‌گیری‌های راهبردی در شرایط عدم توازن قوا است.

۱ چارچوب نظری: نسبت‌سنجی میان نظام اسباب مادی و نظام اسباب غیبی

برای تبیین دقیق نسبت میان «تدبیر عقلی» (مبتنی بر تحلیل ظواهر و اسباب مادی) و «وعده نصرت الهی» (مؤلفه‌ای غیبی در دستگاه ایمان‌محور)، ابتدا باید به دو نظام اسباب طبیعی (مادی) و غیبی (معنوی/الهی) و نگرش این دو دستگاه محاسباتی به آن‌ها پرداخت. این تحلیل به فهم عمیق‌تر چگونگی تصمیم‌گیری و وقوع نتایج در شرایط حضور هر دو دسته از اسباب یاری می‌رساند.

۱.۱ اسباب طبیعی (مادی) و دستگاه مشاهده‌محور

در «دستگاه مشاهده‌محور» یا «عقلانیت مادی»، «اسباب طبیعی» یا «قوانین مادی» به عنوان اصلی‌ترین عوامل مؤثر در پدیده‌ها تلقی می‌شوند. این قانونمندی‌های تکوینی، مبنای نظام آفرینش هستند، چنانکه قرآن می‌فرماید: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ»^{۱۱}؛ یعنی اعمال بر اساس شاکله (طبیعت و خلقت) هر فرد صادر می‌شود.^{۱۲} ویژگی این قوانین، مادی بودن، قابلیت بررسی تجربی، و تکرارپذیری است. در این رویکرد، شناخت «علل مادی» و «طُرُق» عملکرد پدیده‌ها محوریت دارد و استراتژی اصلی، «تدبیر طرق مادی بر اساس پیش‌بینی طُرُق» است؛ یعنی شناسایی و تحلیل سازوکارهای مادی، پیش‌بینی نتایج آن‌ها، و سپس برنامه‌ریزی برای انتخاب بهترین طریق.

^{۱۱} اسراء: ۸۴

^{۱۲} طباطبایی، المیزان، ج ۱۳، ۱۹۳؛ ابن قتیبه، تفسیر غریب القرآن، ۲۲۱.

با این حال، اتکای صرف به اسباب مادی از منظر عقلانیت قرآنی با چالش‌هایی مواجه است. اولاً، قطعیت این قوانین مبتنی بر "استقراء ناقص" محل تأمل است، زیرا مشاهدات تجربی محدود، یقین مطلق ایجاد نمی‌کنند و رویکرد تجربی، "پارامترهای هوشمند و فارغ از طریق" (مؤلفه‌های مؤثری که فارغ از طریق مادی و مبتنی بر ایمان به وعده‌ها و سنن الهی عمل می‌کنند) را لحاظ نمی‌کند. چه بسا علتی غیرمادی یا سنتی الهی در لایه‌ای بالاتر عمل کند.

ثانیاً، از منظر توحید افعالی، اراده الهی بر تمامی اسباب مادی حاکم است و هر علت مادی به اذن او مؤثر است. امکان تغییر این روال در شرایط خاص یا تحت حاکمیت سنتی الهی بالاتر وجود دارد، مانند سرد شدن آتش بر حضرت ابراهیم (ع) ((قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ))^{۱۳}. در نظام طولی علیت، اسباب معنوی بر اسباب مادی «حکومت» داشته و می‌توانند مسیر عالم را تغییر دهند.^{۱۴} تأکید حکما بر نفی «اتفاق» و وجود اسباب حقیقی^{۱۵} نیز پیچیدگی نظام هستی را نشان می‌دهد. حتی معجزات، تحقق علیت از طریق اسباب غیرملموس یا سریع‌تر از عادت هستند.^{۱۶} بنابراین، عقلانیت قرآنی ضمن تأکید بر لزوم شناخت و به‌کارگیری اسباب طبیعی، آن‌ها را مستقل از اراده الهی و سنت‌های غیبی نمی‌داند.

در نظام طولی علیت، اسباب معنوی بر اسباب مادی «حکومت» داشته و می‌توانند مسیر عالم را تغییر دهند. از منظر حکمت متعالیه، این حاکمیت به معنای آن است که در عالم وجود، تنها یک مؤثر و فاعل حقیقی وجود دارد و او خداوند متعال است. سایر علل و اسباب، چه مادی و چه غیرمادی، فاعل‌های بالعرض و «مُعَدَّات» هستند که زمینه را برای فیض فاعل اول فراهم می‌کنند.^{۱۷} بنابراین، هر سببی تنها به اذن او مؤثر است و نظام اسباب، مجرای تحقق اراده اوست، نه امری مستقل در برابر آن.

۲.۱ اسباب غیبی (معنوی/الهی) و دستگاه محاسباتی ایمان‌محور

عقلانیت قرآنی و دستگاه محاسباتی ایمان‌محور، بر وجود و تأثیر «اسباب غیبی» یا «معنوی/الهی» تأکید دارد. این اسباب، خارج از ادراک حسی و محاسبات مادی،^{۱۸} نقشی اساسی در جهت‌دهی وقایع، تحقق وعده‌های الهی، و عملکرد نظام هستی دارند. شناخت و تعامل با این اسباب، از ارکان تمایز عقلانیت قرآنی است.

دستگاه محاسباتی ایمان‌محور بر چند اصل بنیادین استوار است که درک آن‌ها برای فهم نحوه تصمیم‌گیری از منظر قرآنی ضروری است:

^{۱۳} انبیاء: ۶۹

^{۱۴} ترخان، «نقش و تأثیر علل و عوامل فرامادی»، ۵۴؛ حبیبی سی‌سرا، «بررسی و تحلیل سنت امداد در جهاد از دیدگاه قرآن»، ۱۹۸.

^{۱۵} نصیر الدین طوسی، شرح الاشارات و التنبیها، ج ۱، ۴۷؛ محقق سبزواری، شرح المنظومة، ج ۲، ۴۲۲؛ طباطبایی، نهاية الحکمة، ۱۹۰.

^{۱۶} طباطبایی، المیزان، ج ۱، ۷۵.

^{۱۷} طباطبایی، محمدحسین، نهاية الحکمة، ص ۱۷۶

^{۱۸} خواجه‌پور، «عالم اسباب»، ۱۲.

اصل اول، حتمیت نتیجه نهایی (تقدیر الهی): این اصل بیان می‌دارد که نتیجه نهایی وقایع از پیش در علم الهی تعیین شده است.^{۱۹} این باور، نه به معنای جبرگرایی، بلکه به منظور ایجاد آرامش درونی، تقویت توکل و تمرکز بر «انجام وظیفه» بدون اضطراب از نتیجه است.

اصل دوم، تضمین هدایت و کفایت برای متقین: بر اساس این اصل، هر فرد یا جامعه‌ای که تقوای الهی پیشه کند و خود را تسلیم اوامر الهی نماید، خداوند راه خروج از مشکلات،^{۲۰} هدایت به مسیر صحیح^{۲۱} و کفایت امور او را تضمین می‌کند.

اصل سوم، تحقق «من حیث لایحسب» وعده‌ها: این اصل کلیدی بیان می‌دارد که خداوند تمایل دارد وعده‌های خود را از راه‌هایی غیرمنتظره و فارغ از محاسبات مادی متعارف محقق سازد.^{۲۲} این امر کارکردی تربیتی دارد تا ایمان و اعتماد مؤمنان به غیب را پرورش دهد.

این اصول، در کنار رکن اساسی «وظیفه‌محوری» - یعنی تمرکز بر انجام تکلیف شرعی به جای دلبستگی به یک طریق مادی خاص - چارچوب این عقلانیت را شکل می‌دهند. مؤمن با تشخیص و اقدام به وظیفه، خود را در مسیر تحقق قطعی وعده‌های الهی قرار می‌دهد و چگونگی حصول نتیجه را به حکمت و تدبیر خداوند وامی‌گذارد.

این قوانین و اسباب غیرمادی، غالباً «سنت‌های الهی» نامیده می‌شوند. «سنت» به معنای طبیعت شیء^{۲۳} یا سیره و طریقه متداول^{۲۴} است. «سنت‌های الهی» را می‌توان «ضوابط افعال الهی» یا «روش‌های تدبیر و اداره عالم»،^{۲۵} «تعبیر دینی از نظام جهان و قانون اسباب»،^{۲۶} و «ارادة الله» که حکمت الهی را تجسم می‌بخشد،^{۲۷} دانست. این سنت‌ها به دسته‌هایی چون مطلق و مشروط،^{۲۸} تکوینی و تشریعی،^{۲۹} و رحمت‌مدار و عذاب‌مدار^{۳۰} تقسیم می‌شوند. شناخت دقیق آن‌ها عمدتاً از طریق وحی میسر است، زیرا با ابزار مادی یا عقل بشری کاملاً قابل کشف نیستند. قرآن بر تخلف‌ناپذیری این سنت‌ها تأکید دارد: «فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا».^{۳۱} این تخلف‌ناپذیری، چنانکه مفسران تبیین کرده‌اند، به معنای آن است که سنت الهی نه «تبدیل» می‌شود (یعنی عذاب جای خود را به نعمت دهد) و نه «تحویل» (یعنی از قومی مستحق به دیگری منتقل

^{۱۹} حدید: ۲۲.

^{۲۰} طلاق: ۲.

^{۲۱} عنکبوت: ۶۹.

^{۲۲} طلاق: ۳.

^{۲۳} ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ۲۲۶.

^{۲۴} طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ۳۴۰.

^{۲۵} مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، ۴۶۹.

^{۲۶} مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ۱۳۵.

^{۲۷} صدر، سنت‌های تاریخ در قرآن (ترجمه موسوی اصفهانی)، ۸۵.

^{۲۸} آقاجانی، «ویژگی‌ها و انواع سنت‌های الهی»، ۵۶.

^{۲۹} حبیبی سی‌سرا، «بررسی و تحلیل سنت امداد»، ۱۸۵.

^{۳۰} بنایی، «سنت امداد»، ۵۱.

^{۳۱} فاطر: ۴۳.

شود)^{۳۲} و به مثابه یک قانون قطعی عمل می‌کند. با این حال، این تخلف‌ناپذیری به معنای بی‌قید و شرط بودن نیست؛ لذا برخی، سنت‌های الهی را «قوانین مشروط» می‌دانند که تحققشان منوط به فراهم آمدن شروط و رفع موانع است.^{۳۳}

یکی از نکات کلیدی، درک نظام سلسله مراتبی طولی حاکم بر اسباب مادی و غیبی است. پارامترهای غیبی و سنت‌های الهی در لایه‌های بالاتری از نظام علیّت قرار گرفته و بر عملکرد اسباب مادی احاطه دارند؛ اسباب مادی، مجاری تحقق اراده الهی و عملکردشان تحت تأثیر پارامترهای غیبی - که در «حیطه تدبیر عقلانی» انسان درنمی‌آیند - است. درک این سلسله مراتب برای سیاستگذار در دستگاه ایمان‌محور حیاتی است، زیرا بهترین سیاستگذاری، بالاترین پارامترها یعنی «پارامترهای هوشمند و فارغ از طریق» (مانند ایمان، تقوا، دعا، صبر، اراده انسان، و وضعیت معنوی جامعه) را در نظر می‌گیرد. این عوامل مستقیماً و فارغ از طرق مادی بر جریان سنت‌های الهی و تحقق وعده‌ها تأثیر می‌گذارند.

از مهم‌ترین کارکردهای اسباب غیبی، تحقق «وعده‌های الهی» است، مانند نصرت («...وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ...»^{۳۴})، رزق «من حیث لا یحتسب» («...وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ...»^{۳۵})، گشایش برای متقین («...وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا»^{۳۶}) و هدایت برای مجاهدان («وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا...»^{۳۷}). این وعده‌ها، مبتنی بر عملکرد اسباب غیبی و فعال شدن پارامترهای هوشمند هستند. دستگاه محاسباتی ایمان‌محور، با باور به این وعده‌ها و شناخت سنت‌های حاکم، مبنای تصمیم‌گیری خود را، به‌ویژه در بزنگاه‌ها، بر این وعده‌ها و فراهم آوردن شروط معنوی لازم (همان «پارامترهای هوشمند» چون ایمان و توکل،^{۳۸} صبر و استقامت،^{۳۹} تقوا و اطاعت،^{۴۰} و دعا و استغاثه^{۴۱}) استوار می‌سازد. این امر به مؤمن شجاعت اقدام در شرایطی را می‌دهد که از منظر مادی توجیه‌ناپذیر است، اما با اتکاء به وعده الهی نتایجی شگفت‌انگیز به بار می‌آورد. جنگ بدر نمونه بارزی از این نظام محاسباتی است.

بنابراین، شناخت اسباب غیبی و سنت‌های الهی، و باور فعال به تأثیرگذاری آن‌ها، نافی لزوم شناخت و به‌کارگیری اسباب مادی نیست، بلکه افق دید مؤمن را گسترش داده و او را به نظام علیّت پیچیده‌تر و هدفمندتری آگاه می‌سازد. این آگاهی و ایمان، زیربنای تصمیم‌گیری‌های شجاعانه، امیدوارانه و مبتنی بر توکل در چارچوب عقلانیت قرآنی است.

^{۳۲} ر.ک: طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۵۸؛ ابن عاشور، محمدطاهر، التحریر و التئویر، ج ۲۲، ص ۱۸۸.

^{۳۳} سیدی فرد، «سنت‌های الهی و حساسیت به داده‌های تجربی»، ۱۷.

^{۳۴} انفال: ۱۰

^{۳۵} طلاق: ۳

^{۳۶} طلاق: ۴

^{۳۷} عنکبوت: ۶۹

^{۳۸} روشن‌ضمیر، «شرایط برخورداری از امدادهای ویژه الهی»، ۱۱۴؛ اعرابی، «مبانی قرآنی و روایی مقاومت»، ۱۵۲.

^{۳۹} رشید و ادریسیان، «تبیین آموزه‌های جهادی قرآنی مؤثر بر روحیه جهادی»، ۱۶؛ موسوی‌زاده، «تبیین مولفه‌های وعده نصرت الهی»، ۵۱.

^{۴۰} حبیبی سی‌سرا، «بررسی و تحلیل سنت امداد»، ۱۸۶؛ آقا صفری، ریاحی مهر و خان فاضل اف، «مستندات قرآنی»، ۱۳۰.

^{۴۱} آقا صفری، ریاحی مهر و خان فاضل اف، «مستندات قرآنی»، ۱۲۴.

۲ واقعه جنگ بدر: زمینه‌ای برای تحلیل نسبت تدبیر و وعده الهی

پس از تبیین اسباب طبیعی، غیبی و سنت‌های الهی، واقعه جنگ بدر به عنوان شاهی از آیات قرآن کریم بررسی می‌شود. اهمیت جنگ بدر در این است که مؤمنان، با وجود ضعف مادی و اینکه «تدبیر مادی» حکم به عدم شروع جنگ می‌کرد، با تکیه بر وعده نصرت الهی وارد جنگ شده و با شمول سنت‌های الهی، پیروز گشتند. در این بخش ابتدا داستان جنگ بدر بیان می‌شود تا زمینه تحلیل آیات مرتبط فراهم آید.

۲.۱ داستان جنگ بدر: بستری برای آزمون ایمان و تدبیر

واقعه بدر، که بنابر قول مورخان در هفدهم رمضان سال دوم هجری رخ داد،^{۴۲} به عنوان نخستین رویارویی گسترده و مسلحانه مسلمانان با کفار قریش،^{۴۳} نه تنها نقطه عطفی در تاریخ اسلام، بلکه عرصه‌ای برای تجلی نسبت میان تدبیر انسانی و نصرت الهی بود. این واقعه، شرایطی را فراهم آورد که در آن، مؤمنان در معرض انتخابی حیاتی میان اتکا به محاسبات ظاهری و مادی، و توکل بر وعده‌های غیبی پروردگار قرار گرفتند.

ماجرا با اطلاع پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از بازگشت کاروان تجاری قریش از شام به هدایت ابوسفیان و حامل اموال قابل توجه، آغاز شد. با توجه به ستم‌ها و مصادره اموال مسلمانان توسط قریش و نیاز جامعه نوپای اسلامی، پیامبر (ص) به اصحاب فرمان آمادگی برای دستیابی به این کاروان را دادند، با این امید که خداوند این اموال را نصیب ایشان گرداند.^{۴۴} هدف اولیه بسیاری از مسلمانان، چنانکه از آیات قرآن نیز برمی‌آید، دستیابی به همین کاروان تجاری (طائفه غیر ذات الشوکه) بود که مواجهه‌ای کم‌خطرتر و پرغنیمت‌تر به نظر می‌رسید.

ابوسفیان، با آگاهی از حرکت مسلمانان، به سرعت «ضمضم بن عمرو غفاری» را به مکه فرستاد تا قریش را از این خطر آگاه ساخته و برای یاری فراخواند. این خبر قریش را به خشم آورد و برای تجهیز سپاهی بزرگ و حرکت به سمت مدینه مصمم ساخت. همزمان، پیامبر (ص) با حدود سیصد و سیزده تن از یاران خود از مدینه خارج شدند. گزارش‌های اولیه از مشاهده کاروان قریش حکایت داشت، اما نزول وحی، خبر حرکت لشکر مجهز قریش از مکه را به اطلاع ایشان رساند.^{۴۵}

در این مقطع حساس، پیامبر (ص) اصحاب خود را برای تصمیم‌گیری جهت تعقیب کاروان یا مقابله با لشکر قریش به مشورت فراخواندند؛ بزنگاهی که محاسبات عادی نظامی و مادی با ایمان به وعده الهی برای احقاق حق در بوته آزمایش قرار گرفت. این واقعه مصداق بارز «سنت ابتلاء» یا آزمون الهی بود تا صفوف مؤمنان خالص گردد؛ سنتی که به باور مفسرانی چون سید قطب، پیش شرط ضروری برای رسیدن به نصرت است.^{۴۶} علی‌رغم کمبود شدید نیرو و تجهیزات سپاه اسلام - حدود ۳۱۳

^{۴۲} طوسی، الأمالی، ۳۴۲؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ۴۵؛ طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ۲۹، ۳۰ و ۱۰۶.

^{۴۳} مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷، ۷۷؛ جعفریان، «نبرد بدر»، ۵۷.

^{۴۴} طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ۸۰۲؛ طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ۲۳-۲۶.

^{۴۵} طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ۲۳-۲۶.

^{۴۶} قطب، فی ظلال القرآن، ج ۱، ۴۸۳.

نفر با تنها دو اسب و هفتاد شتر، در مقابل لشکر تقریباً هزار نفری قریش با حدود چهارصد اسب^{۴۷} - و در حالی که تدبیر مادی حکم به پرهیز از درگیری مستقیم می‌کرد، پس از مشورت و اعلام آمادگی اصحاب و انصار، تصمیم بر حرکت به سمت بدر و مقابله با لشکر قریش اتخاذ شد.

با رسیدن دو سپاه به منطقه بدر، عدم توازن قوا چنان آشکار بود که ابوجهل، با دیدن تعداد اندک مسلمانان، آنان را لقمه‌ای سهل پنداشت. پیامبر (ص)، با تأکید بر عدم تمایل به آغازگری جنگ، از قریش خواستند از درگیری صرف‌نظر کرده و ایشان را به دیگر اعراب واگذارند.^{۴۸} گزارش شده است که ایشان حتی آغاز جنگ را تا ظهر به تأخیر انداختند^{۴۹}.

اما سرانجام، به دستور ابوجهل، جنگ درگرفت. در این نبرد نابرابر، رشادت‌های بی‌بدیل حضرت علی (علیه السلام) و حمزه سیدالشهداء (علیه السلام) در کنار پایداری سایر مؤمنان، صحنه‌هایی از ایثار و ایمان را رقم زد. در لحظات بحرانی جنگ، پیامبر (ص) دست به دعا برداشتند و از خداوند طلب یاری کردند. در پی این استغاثه خالصانه، آثار نزول وحی بر ایشان ظاهر گشت و بشارت نزول هزار فرشته منظم برای یاری مؤمنان داده شد^{۵۰}.

پایان این نبرد، با پیروزی شگفت‌انگیز مسلمانان و کشته و اسیر شدن تعداد زیادی از سران و جنگجویان قریش (هفتاد کشته و هفتاد اسیر) همراه بود.^{۵۱} این پیروزی، که از منظر محاسبات صرفاً مادی تقریباً ناممکن می‌نمود، نشانه‌ای آشکار از تحقق وعده الهی و کارآمدی سنت‌های غیبی بود، آنگاه که مؤمنان با اتکاء به ایمان و با وجود ضعف ظاهری، به وظیفه خود عمل کردند. شهدای مسلمان در این غزوه، چهارده تن (شش نفر از مهاجرین و هشت نفر از انصار) گزارش شده‌اند.^{۵۲} این واقعه، زمینه‌ای غنی برای تحلیل چگونگی تعامل تدبیر مادی و توکل بر وعده‌های الهی در چارچوب عقلانیت قرآنی فراهم می‌آورد که در ادامه به تفصیل آیات مرتبط با آن پرداخته خواهد شد.

۲.۲ دسته آیات سوره آل عمران: ۱۲۳-۱۲۶ (نصرت الهی در عین ضعف ظاهری و شروط تحقق آن)

آیات ۱۲۳ تا ۱۲۶ سوره مبارکه آل عمران، به صراحت به نصرت خداوند در جنگ بدر، علی‌رغم ضعف ظاهری مؤمنان، و همچنین به شروط و ماهیت این نصرت الهی اشاره دارند: «وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۱۲۳) إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ (۱۲۴) بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ (۱۲۵) وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۱۲۶)».

^{۴۷} طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ۲۶ و ۲۷.

^{۴۸} همان، ج ۹، ۳۲.

^{۴۹} سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۳، ۱۸۹.

^{۵۰} طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ۸۰۷؛ طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ۲۹.

^{۵۱} طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ۳۱؛ واقدی، کتاب المغازی، ج ۱، ۱۱۲.

^{۵۲} طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ۳۴؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۹، ۳۵۹.

نکته کانونی در آیه ۱۲۳، عبارت «وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ» است که نه تنها به ضعف مادی و کمبود نفرات، بلکه به یک حالت معنوی عمیق‌تر نیز اشاره دارد؛ یعنی درک فقر ذاتی و وابستگی مطلق به خداوند که خود شرط دریافت نصرت الهی است.^{۵۳} علامه طباطبایی این «ذلت» را ناظر بر کمبود عده و نیرو و در مقابل، قوت و شوکت بسیار دشمن می‌داند.^{۵۴} این وضعیت، از منظر «دستگاه مشاهده‌محور» و محاسبات مادی، شرایطی بسیار نامساعد و پرخطر برای ورود به جنگ بود و «تدبیر عقلانی» رایج، حکم به عدم درگیری یا احتمال بالای شکست می‌کرد. اما در همین شرایط، خداوند نصرت خود را بر مؤمنان نازل فرمود، که نشان‌دهنده حاکمیت نظامی فراتر از اسباب مادی صرف است. این آیه، چه کلامی مستقل در اشاره به نصرت بدر باشد یا تکمیلی بر عتاب آیات پیشین مبنی بر اینکه سستی مؤمنان با وجود ولایت و نصرت الهی (حتی در حال ذلت) سزاوار نیست،^{۵۵} محوریتش تحقق نصرت الهی در شرایطی است که اسباب مادی ظاهراً حکم دیگری داشتند.

آیات بعدی (۱۲۴-۱۲۵) به وعده امداد الهی از طریق نزول ملائکه می‌پردازند. عبارت «أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ» و سپس «بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُمِدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ»، نشان می‌دهد این امداد غیبی، سنتی الهی و مشروط به فعال شدن «پارامترهای هوشمند» از سوی مؤمنان، یعنی «صبر» و «تقوا» است. این پارامترها از آن جهت «فارغ از طریق» توصیف می‌شوند که تأثیرگذاری آن‌ها مستقیم و بر «نتیجه» متمرکز است، نه بر یک «طریق» یا سازوکار مادی مشخص. به عبارت دیگر، صبر و تقوا کلیدهایی هستند که سنت نصرت الهی را فعال می‌کنند و خداوند خود، طریق تحقق آن نصرت را (در اینجا از طریق نزول ملائکه) به بهترین شکل فراهم می‌سازد. این شروط، کلیدهای فعال‌سازی سنت نصرت الهی هستند و صرف کمبود مادی، مانع از جریان این سنت در صورت تحقق شروط نمی‌شود. کلمه «امداد» (از ریشه مدد) به معنای رساندن یاری به نحو اتصال و پیوسته است،^{۵۶} که بیانگر استمرار و قطعیت این یاری در صورت تحقق شرایط است. عبارت «مِنْ فُورِهِمْ هَذَا» نیز بر سرعت و فوریت این امداد در لحظه نیاز دلالت دارد.

نکته بسیار مهم در آیه ۱۲۶ نهفته است که ماهیت و هدف این امداد ملائکه و به‌طور کلی نصرت الهی را تبیین می‌کند: «وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ». این آیه، دو نکته اساسی را روشن می‌سازد: اولاً، نزول ملائکه و سایر امدادهای غیبی، در وهله اول برای «بشارت» و ایجاد «اطمینان قلبی» در مؤمنان است. این امر، به‌ویژه در شرایطی که محاسبات مادی یأس‌آور به نظر می‌رسد، به تقویت روحیه و پایداری مؤمنان می‌انجامد. خداوند گاهی برای اطمینان قلب مؤمنان، برخی از طرق غیبی نصرت خود را (مانند ملائکه) آشکار می‌سازد، هرچند اتکای اصلی باید بر خود وعده الهی باشد. ثانیاً، این آیه با حصر «(إِلَّا)»، حقیقت نصرت را منحصرراً از جانب خداوند عزیز و حکیم می‌داند («وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»؛ یعنی ملائکه یا هر سبب غیبی یا مادی دیگر، صرفاً مجاری و اسبابی هستند که فاعلیت اصلی و

^{۵۳} این برداشت با تحلیل علامه طباطبایی که «ذلت» را ناظر به حال مؤمنان «من حیث انفسهم» (بدون در نظر گرفتن ولایت الهی) می‌داند، سازگار است. (ر.ک: طباطبایی،

محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸-۷).

^{۵۴} طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸.

^{۵۵} همان، ج ۴، ص ۷.

^{۵۶} همان، ج ۴، ص ۱۰.

نهایی از آن خداوند است. به تعبیر علامه طباطبایی، این حصر ناظر به «المقام الربوبي الذي ينتهي إليه كل أمر وحكم» است؛ مقامی که حقیقت و جوهره نصرت تنها از آنجا نشأت می‌گیرد و اسبابی چون ملائکه، صرفاً مجاری ظاهری برای تحقق آن هستند.^{۵۷} این نگاه، با «نظام سلسله مراتبی اسباب» که در آن، اراده الهی در بالاترین لایه قرار دارد و بر تمام اسباب دیگر محیط است، کاملاً همخوانی دارد. مؤمنان با اینکه موظف به به‌کارگیری اسباب مادی و تلاش هستند، اما پیروزی نهایی را نه از اسباب، بلکه از خداوند می‌دانند.

در ادامه آیات، به هدف این نصرت یعنی «لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْتَسِبُ غَلَبًا فَتُقَبِّلُوا خَائِبِينَ»^{۵۸} اشاره می‌شود که نشان‌دهنده هدفمندی سنت‌های الهی در جهت اضعاف جبهه کفر و اعتلای جبهه حق است. جمله معترضه «لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ...»^{۵۹} نیز بار دیگر تأکید می‌کند که زمام امور و تصمیم نهایی در مورد سرنوشت کفار (هلاکت، توبه، یا عذاب) منحصر به دست خداوند است و حتی پیامبر (ص) نیز در این امر، مستقل از اراده الهی، نقشی ندارند.^{۶۰} این امر، از هرگونه شرک در فاعلیت جلوگیری کرده و توحید افعالی را در نگاه مؤمن تقویت می‌کند.

بنابراین، آیات سوره آل عمران در مورد جنگ بدر، نشان می‌دهند که در چارچوب عقلانیت ایمان‌محور، با وجود ضعف مادی و نامساعد بودن محاسبات ظاهری، چگونه می‌توان با اتکاء به وعده نصرت الهی و با فعال‌سازی پارامترهای هوشمندی چون صبر و تقوا، شاهد تحقق امدادهای غیبی و پیروزی نهایی بود، در حالی که فاعلیت اصلی و نهایی همواره از آن خداوند عزیز و حکیم است.

۳.۲ دسته آیات سوره انفال: ۷-۱۲ (و دیگر آیات مرتبط؛ تبیین اراده الهی در مقابل خواست مؤمنان، و تفصیل امدادهای غیبی)

سوره مبارکه انفال، به تفصیل بیشتری به جزئیات واقعه بدر، انگیزه‌ها، امدادها و نتایج آن پرداخته و درک عمیق‌تری از نحوه عملکرد دستگاه محاسباتی ایمان‌محور در این نبرد سرنوشت‌ساز ارائه می‌دهد. آیات اولیه این سوره، به‌ویژه آیات ۷ تا ۱۲، نقش محوری در تبیین این موضوع دارند.

آیه هفتم سوره انفال، یکی از کلیدی‌ترین آیات در فهم تفاوت میان محاسبات و تمایلات اولیه مؤمنان با اراده و تدبیر الهی است: «وَإِذْ يَعِدُّكُمْ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحَقِّقَ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَ يَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ (۷)». این آیه شریفه، که ظاهراً پس از پایان جنگ نازل شده،^{۶۱} به وعده اولیه خداوند به مؤمنان مبنی بر پیروزی بر یکی از دو گروه دشمن (کاروان تجاری قریش موسوم به "عیر" یا لشکر نظامی آن‌ها موسوم به "نفیر") اشاره می‌کند.^{۶۲}

^{۵۷} طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۹.

^{۵۸} آل عمران: ۱۲۷

^{۵۹} آل عمران: ۱۲۸

^{۶۰} همان، ج ۴، ۱۲.

^{۶۱} همان، ج ۹، ۲۰.

^{۶۲} همان، ج ۹، ۲۱-۲۰؛ صادقی تهرانی، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، ۱۷۷.

نکته بسیار مهم، تمایل و "وَدَّ" مؤمنان به مواجهه با کاروان تجاری («غَيْرِ ذَاتِ الشُّوْكَه») است که هم از نظر نظامی کم‌خطرتر بود و هم غنائم مادی فراوانی در پی داشت. این تمایل، برخاسته از "تدبیر عقلی" مبتنی بر اسباب مادی و ظاهری و با در نظر گرفتن منافع کوتاه‌مدت بود. اما در مقابل، «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُحَقِّقَ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ»؛ اراده الهی بر امری والا تر و راهبردی تر تعلق گرفته بود: تثبیت حق و ریشه کن کردن کفر، از طریق مواجهه با لشکر مجهز و قدرتمند قریش ("ذات الشوکه"). این تفاوت میان "وَدَّ" مؤمنان و "اراده" الهی، تقابل میان دستگاه محاسباتی صرفاً مادی و کوتاه‌نگر با دستگاه محاسباتی ایمان‌محور و الهی را که بر اساس سنت‌های غیبی و اهداف بلندمدت عمل می‌کند، نشان می‌دهد. این تقابل، روایت سیره‌نویسان مبنی بر غنیمت‌محور بودن حرکت اولیه را به چالش کشیده و هدفمندی الهی را در مرکز تحلیل قرار می‌دهد.^{۶۳} خداوند، برخلاف تدبیر مادی اولیه مسلمانان، آنان را به رویارویی با لشکر پر امکانات قریش کشاند تا هم حقانیت اسلام را اثبات کند و هم سنت نصرت خود را در شرایط ضعف مادی مؤمنان به نمایش گذارد. چنانکه علامه طباطبایی اشاره دارد، خداوند می‌خواست تا با لشکریان ایشان روبرو شوید و او شما را با کمی عدوتان بر ایشان غلبه دهد و بدین وسیله قضای او مبنی بر ظهور حق و استیصال کفار به کرسی بنشیند.^{۶۴} آیه بعدی نیز بر همین هدف تأکید می‌کند: «لِيُحَقِّقَ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ (۸)». این نشان می‌دهد که در دستگاه محاسباتی الهی، گاهی اهداف متعالی تر، مستلزم ورود به عرصه‌هایی است که از منظر محاسبات مادی، پرخطر یا نامطلوب به نظر می‌رسند.

در ادامه، آیات به تفصیل به امدادهای غیبی و اسباب معنوی که در جنگ بدر به نصرت مؤمنان آمدند، می‌پردازند. این امدادها، تجلی عملکرد "اسباب غیبی" و "سنت‌های الهی" در چارچوب "نظام سلسله مراتبی اسباب" هستند که فراتر از محاسبات مادی، نتیجه جنگ را به نفع مؤمنان رقم زدند. آیه نهم، به نقش "استغاثه" به عنوان یک "پارامتر هوشمند و فارغ از طریق" اشاره می‌کند: «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ (۹)». استغاثه خالصانه و از سر اضطرار مؤمنان، زمینه را برای اجابت الهی و نزول امداد ملائکه فراهم آورد. این نشان می‌دهد که در دستگاه ایمان‌محور، دعا و استغاثه، صرفاً عملی عبادی نیست، بلکه عاملی مؤثر در تغییر شرایط و جلب نصرت الهی است.

آیه دهم، بار دیگر بر ماهیت و هدف این امداد تأکید می‌کند، مشابه آنچه در سوره آل عمران آمده بود: «وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۱۰)». این امداد ملائکه، در درجه اول برای بشارت و ایجاد اطمینان قلبی در مؤمنان بود تا با روحیه‌ای قوی و اراده‌ای مصمم به نبرد ادامه دهند. و مهم‌تر آنکه، نصرت حقیقی و نهایی، منحصرراً از جانب خداوند عزیز و حکیم است. نکته جالب توجه در این فراز، اشاره به این است که نصرت حاصل شده برای مؤمنان، «طریق مادی» نداشت و پیروزی تنها مستند به خدا و از جانب او بود. این آیه، بار دیگر بر فاعلیت اصلی خداوند و اینکه اسباب (اعم از مادی و غیبی) تنها مجاری اراده او هستند، تأکید می‌ورزد. این اصل، مؤمن را از اتکای استقلال‌ی به هر سببی غیر از خداوند بازداشته و به توکل حقیقی بر پروردگار رهنمون می‌شود. لذا اگرچه مؤمنان به اسباب مادی تمسک می‌کنند،

^{۶۳} بیگی و قادری، «غزوه بدر»، ۱۱-۹.

^{۶۴} طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ۱۹.

اتکای آنان نباید به این اسباب باشد، بلکه تنها به خداوند. در مواردی که وعده الهی بر کفایت و نصرت است، حتی با «عدم توجیه مادی عمل»، باید با تکیه بر آن وعده وارد عمل شده و سرانجام را به او سپرد.

این منطق قرآنی، تمایز ظریفی را میان «خود امداد غیبی» و «علم به چگونگی آن» آشکار می‌سازد. نفس نزول ملائکه یک سبب واقعی و مؤثر در عالم خارج است، اما «بیان کردن» این چگونگی برای مؤمنان، کارکردی روانشناختی برای بشارت و اطمینان بخشی دارد. همان طور که در چارچوب نظری اشاره شد، در مؤلفه‌های غیبی «نتیجه» (نصرت) تضمین شده است، اما «چگونگی» آن معمولاً در ابهام قرار دارد تا ایمان آزموده شود. خداوند در بدر، با آشکار کردن یکی از طرق امداد خود (ملائکه)، به مؤمنان اطمینان قلبی بخشید تا در آن شرایط اضطراری، بر وعده الهی ثابت قدم بمانند. این الگو نشان می‌دهد که افشای طریق غیبی، خود بخشی از تدبیر الهی برای تقویت روحی جبهه ایمان است.

آیه یازدهم، به تفصیل بیشتری از امدادهای غیبی می‌پردازد که هر یک به نوبه خود، شرایط را به نفع مؤمنان تغییر دادند: «إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسُ أَمَنَةً مِنْهُ وَ يُنْزِلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ (۱۱)». نزول «نعاس» (خواب سبک) به عنوان امان و آرامشی از جانب خداوند، در شرایط سخت و پر اضطراب جنگ، به تجدید قوای روحی و جسمی مؤمنان کمک کرد. روشن است که اگر ترس و رعب از بین نرفته بود، معقول نبود که در میدان جنگ، خواب مسلط شود.^{۶۵} نزول «باران» نیز چندین فایده در پی داشت: پاکیزگی ظاهری و رفع حدث، زدودن «رجز شیطان» (وسوسه‌های پلید)، تقویت قلوب (لِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ که کنایه از تشجیع است)، و تثبیت قدم‌ها در زمین ریگزار و لغزنده اردوگاه مسلمانان، در حالی که اردوگاه کفار را گل‌آلود و نامناسب برای حرکت کرد.^{۶۶} این‌ها همگی نمونه‌هایی از عملکرد اسباب غیبی و تدبیر الهی برای تغییر شرایط مادی به نفع مؤمنان است که از حیطه محاسبات عادی خارج بود. این الگو، چنانکه رشید رضا در المنار تبیین می‌کند، نمونه‌ای از تحقق اراده الهی در بستر «سنن الهی در اسباب و مسببات» است؛^{۶۷} جایی که یک پدیده طبیعی (باران) با چهار فایده کلیدی، شامل تطهیر، رفع وسوسه، تقویت قلوب و تثبیت قدم‌ها، به ابزاری برای نصرت مؤمنان تبدیل می‌شود.^{۶۸} این موارد، مصادیق بارز «امدادهای غیبی» هستند که هم می‌توانند به شکل حوادث طبیعی و دور از انتظار جلوه کنند و هم به صورت تأثیرات روانی مستقیم.^{۶۹}

آیه دوازدهم، به نقش مستقیم‌تر ملائکه در نبرد و تأثیرگذاری بر طرفین اشاره دارد: «إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَالُطِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَ اضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ (۱۲)». در اینجا، خداوند به ملائکه وحی می‌کند که همراه مؤمنان باشند و آنان را ثابت قدم بدارند (نقش روانی و معنوی)، و خود وعده می‌دهد که در قلوب کافران رعب و وحشت بیفکند (یکی از مهم‌ترین اسباب غیبی شکست دشمن). سپس، به مؤمنان (یا به ملائکه به عنوان

^{۶۵} همان، ج ۹، ۲۴.

^{۶۶} طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ۸۰۷؛ طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ۲۳.

^{۶۷} رضا، محمد رشید، تفسیر المنار، ج ۹، ص ۲۰-۲۱.

^{۶۸} رضا، محمد رشید، تفسیر المنار، ج ۹، ص ۶۱۱-۶۱۲.

^{۶۹} حبیبی سی‌سرا، «بررسی و تحلیل سنت امداد»، ۱۹۱، ۱۹۵؛ ابراهیمیان، ربیعی و بسمل، «شیوه‌های نزول امدادهای غیبی بر مومنین»، ۱۷۱؛ بنایی، «سنت امداد»، ۶۱.

مجری امر الهی) دستور می‌دهد که با شدت با کفار بجنگند.^{۷۰} این آیه نشان می‌دهد امداد ملائکه صرفاً حضوری نمادین نبوده، بلکه در تثبیت مؤمنان و احتمالاً در درگیری مستقیم نیز نقش داشته‌اند، هرچند چنانکه در آیه ۱۰ تأکید شد، نصرت اصلی از جانب خداست و نقش ملائکه، در چارچوب اسباب الهی و برای بشارت و اطمینان بوده است.

آیات دیگری از سوره انفال نیز به جوانب مختلف این واقعه و عملکرد دستگاه محاسباتی ایمان‌محور اشاره دارند. آیه ۴۲: «إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَى وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لَأَخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَكِنْ لَيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ...» نشان می‌دهد خداوند چگونه با تدبیر خود، دو گروه را در شرایطی به ظاهر نامساعد برای مسلمانان، رودررو قرار داد تا امری که مقدر بود (پیروزی حق و اتمام حجت) محقق شود. اگر قرار بر تواعد و محاسبات عادی بود، شاید هرگز چنین مواجهه‌ای شکل نمی‌گرفت.^{۷۱} این نمونه‌ای از «مکر تربیتی الهی» است؛ یعنی خداوند گاهی برای رشد ایمان مؤمنان و نشان دادن صدق وعده‌هایش، شرایط را به گونه‌ای ترتیب می‌دهد که از منظر محاسبات صرفاً مادی، دور از انتظار یا نامطلوب به نظر می‌رسد، اما در نهایت به تحقق اهداف عالی‌تر و تقویت یقین مؤمنان می‌انجامد. در واقعه بدر، این تدبیر الهی مؤمنان را که ابتدا تمایل به مواجهه با کاروان تجاری داشتند، به میدان مبارزه با لشکر مجهز دشمن کشاند تا هم حجت را بر همگان تمام کند و هم صدق وعده نصرت خود را در شرایطی به ظاهر ناممکن، به آنان نشان دهد و ایمانشان را به سطوح بالاتری از اعتماد به غیب و سنت‌های الهی ارتقا دهد.

این تدبیر الهی که منجر به رویارویی دو سپاه در شرایطی به ظاهر نامطلوب برای مسلمانان شد، در کلام مفسران به عنوان شاهی بر حاکمیت اراده الهی بر اسباب عادی تلقی شده است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، بر این نکته تأکید می‌کند که عبارت «وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لَأَخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ» نشان می‌دهد که این رویارویی از حوزه برنامه‌ریزی و اراده انسانی خارج بود. محاسبات عادی، با توجه به ضعف مادی مؤمنان، هرگز به چنین مواجهه‌ای ختم نمی‌شد. اما خداوند با تدبیر خود، اسباب را چنان فراهم آورد «لَيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا»؛ تا امری را که در علم الهی قطعی و مقدر بود، به انجام رساند.^{۷۲} این «امر مفعول»، همان پیروزی جبهه حق و اتمام حجت بر همگان بود تا «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ».^{۷۳} بنابراین، واقعه بدر از منظر قرآن، صرفاً یک رخداد نظامی نیست، بلکه صحنه اجرای یک نقشه الهی برای آشکار ساختن حق و باطل است؛ نقشه‌ای که فراتر از محاسبات طرفین درگیر عمل می‌کند و نشان می‌دهد که در دستگاه محاسباتی ایمان‌محور، متغیر اصلی، اراده و قضای تخلف‌ناپذیر الهی است.

آیه ۴۳ و ۴۴: «إِذْ يُرِيكُهُمُ اللَّهُ فِي مَنَايِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرَاكَهُمْ كَثِيرًا لَفَشَلْتُمْ وَتَتَنَزَّعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ... وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّمَتُّعِ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيَقْلُلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لَيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا...» نیز به یکی دیگر از امدادهای غیبی، یعنی کم نشان دادن تعداد دشمن در رؤیای پیامبر (ص) و در چشم مؤمنان در آغاز نبرد، و همچنین کم نشان دادن مؤمنان در چشم کفار

^{۷۰} فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۱۵، ۴۶۳.

^{۷۱} طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ۹۱؛ انصاریان، ترجمه قرآن، ۱۸۲.

^{۷۲} طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۹۱-۹۲.

^{۷۳} همان، ص ۹۲.

(که شاید باعث غرور و غفلت آنان شد) اشاره دارد. اینها همگی تدابیر الهی برای مدیریت صحنه نبرد و تحقق اراده او بود که فراتر از محاسبات صرفاً کمی و عددی عمل می‌کرد.

این مدیریت ادراک، یکی از ظریف‌ترین جلوه‌های امداد غیبی است که مفسران بزرگی چون ابن عاشور به تحلیل آن پرداخته‌اند. او در «التحریر و التئویر» اشاره می‌کند که رؤیای پیامبر (ص) مبنی بر کم بودن تعداد دشمن، یک «کنایه رمزی» از وهن و ضعف درونی آنان بود، نه یک گزارش عددی دقیق. این رؤیا که به مؤمنان منتقل شد، کارکردی روانشناختی داشت تا تهیب و ترس طبیعی از دشمن قدرتمند را از دل آنان بزداید.^{۷۴} خداوند با این کار، به جای تغییر واقعیت فیزیکی (تعداد نفرات)، واقعیت ذهنی و روانی مؤمنان را مدیریت کرد؛ چرا که می‌دانست تأثیرپذیری نفوس انسانی از مشاهدات و محسوسات، بیش از باورهای عقلی صرف است.^{۷۵}

این تدبیر الهی در تقلیل عدد دشمن در چشم مؤمنان و بالعکس، نمونه‌ای از مهندسی دوگانه صحنه نبرد است. ابن عاشور این پدیده را «بدیع صنع الله» می‌نامد که در آن یک عامل واحد (تقلیل ظاهری)، دو اثر متفاوت اما با یک نتیجه واحد (پیروزی مؤمنان) ایجاد می‌کند. کم دیدن دشمن، در مؤمنان شجاعت و انگیزه اقدام را تقویت کرد، در حالی که در مشرکان غرور و غفلت را افزایش داد و آنان را از آمادگی کامل بازداشت.^{۷۶} این نشان می‌دهد که در دستگاه محاسباتی الهی، اعداد و ارقام مادی، متغیرهایی ثابت نیستند، بلکه می‌توانند از طریق تأثیر بر ادراک و روان طرفین، به ابزاری در خدمت تحقق اراده الهی تبدیل شوند.

آیه ۴۸: «وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمُ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَّكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِتْنَانَ نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ» نیز بسیار قابل تأمل است. شیطان که ابتدا کفار را با وعده‌های دروغین و زینت دادن اعمالشان به جنگ تشویق کرده بود، با مشاهده آثار نصرت الهی و حضور ملائکه (إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ)، صحنه را ترک کرده و از آنان برائت می‌جوید.^{۷۷} این نشان می‌دهد حتی شیطان نیز به برتری قدرت الهی و بی‌فایده بودن اتکای صرف به اسباب مادی در برابر سنت‌های الهی، در بزنگاه‌های حساس، آگاه است، هرچند این آگاهی، مانع از تلاش مستمر او برای اغوای انسان‌ها نمی‌شود.

نقش‌آفرینی شیطان در این آیه، تقابل دو نظام محاسباتی را به عرصه غیب نیز می‌کشاند. علامه طباطبایی با اشاره به روایات، احتمال تمثل شیطان در قالب «سراقه بن مالک» را تقویت می‌کند و بیان می‌دارد که ظاهر آیه نیز با این وجه سازگارتر است.^{۷۸} شیطان با تزئین اعمال مشرکان و دادن وعده پیروزی («لَا غَالِبَ لَكُمُ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ») و تضمین حمایت («وَإِنِّي جَارٌ لَّكُمْ»), دقیقاً همان کاری را می‌کند که خداوند برای مؤمنان انجام می‌دهد: ایجاد اطمینان قلبی. اما اطمینان‌بخشی شیطان بر پایه غرور و ارزیابی ظاهری قدرت مادی استوار است، در حالی که اطمینان‌بخشی الهی بر ایمان به قدرت غیبی مبتنی است. نقطه اوج

^{۷۴} ابن عاشور، محمدطاهر، التحریر و التئویر، ج ۹، ص ۱۱۵.

^{۷۵} همان، ص ۱۱۸ (برداشت مفهومی از عبارت: «لعلمه بما فی الصدور البشرية من تأثر النفوس بالمشاهدات و المحسوسات أكثر مما تتأثر بالاعتقادات»).

^{۷۶} همان، ص ۱۱۹.

^{۷۷} بغدادی، لباب التاویل فی معانی التنزیل، ج ۲، ۳۱۸.

^{۷۸} طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۹۹-۹۸.

این تقابل، لحظه‌ای است که دو جبهه غیبی (ملائکه و شیطان) با یکدیگر مواجه می‌شوند: «فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِتْنَانَ نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ». در این لحظه، شیطان با مشاهده امداد الهی («إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ»)، به ضعف محاسبات خود و برتری قدرت الهی اعتراف کرده و از صحنه می‌گریزد. این واقعه نشان می‌دهد که حتی ابلیس نیز در بزنگاه حقیقت، به بطلان دستگاه محاسباتی مادی‌گرا و حاکمیت نهایی سنت‌های الهی آگاه است.

آیه ۴۹، به صریح‌ترین شکل ممکن، تقابل دو دستگاه محاسباتی را به تصویر می‌کشد. قول منافقان و بیماردلان که «غَرَّ هُوْلَاءِ دِينُهُمْ» (اینان را دینشان فریفته است)، دقیقاً صدای «دستگاه مشاهده‌محور» است که هر اقدامی را که با محاسبات مادی و توازن قوای ظاهری نخواند، غیرعقلانی و ناشی از غرور و فریب می‌داند. رشید رضا در المنار این تعلیل را «أقرب تعلیل معقول لأمثالهم المحرومين من کمال الإیمان بالله» (نزدیک‌ترین تحلیل معقول برای کسانی که از کمال ایمان به خدا محرومند) می‌داند.^{۷۹} اما قرآن بلافاصله با یک جمله قاطع، منطق دستگاه مقابل را تبیین و تأیید می‌کند: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ». علامه طباطبایی این جمله را پاسخی کوبنده به منافقان و «إبانه غرورهم أنفسهم» (آشکار ساختن فریب‌خوردگی خودشان) می‌داند.^{۸۰} در این پاسخ، تکیه بر دو صفت الهی کلیدی است: «عزیز» (توانمند و شکست‌ناپذیر) که ضامن تحقق وعده نصرت است، و «حکیم» (فرزانه) که تضمین می‌کند این نصرت و تدبیر، بر اساس عالی‌ترین حکمت‌ها صورت می‌گیرد و امری تصادفی نیست. بنابراین، این آیه صرفاً یک گزارش تاریخی نیست، بلکه یک بیانیه معرفت‌شناختی است که «توکل» را نه یک امر احساسی، بلکه یک کنش عقلانی مبتنی بر شناخت صحیح از صفات الهی و سنت‌های حاکم بر عالم معرفی می‌کند.

مجموعه این آیات از سوره انفال، نشان می‌دهد که چگونه اراده الهی، مبتنی بر سنت‌های غیبی و با فعال شدن پارامترهای هوشمندی چون ایمان، استغاثه و توکل مؤمنان، و با به‌کارگیری اسباب غیبی متنوع، بر محاسبات صرفاً مادی و ظاهری غلبه کرده و نصرتی بزرگ را برای جبهه حق رقم زد. این واقعه، نه تنها یک پیروزی نظامی، بلکه درسی بزرگ در باب عقلانیت تصمیم‌گیری و توحید افعالی برای تمام نسل‌های مؤمنان است.

۴.۲ تبیین نسبت میان محاسبات مادی و وعده الهی در پرتو آیات جنگ بدر (عملکرد دستگاه محاسباتی ایمان‌محور)

با توجه به تحلیل آیات و چارچوب نظری نظام اسباب و دستگاه محاسباتی ایمان‌محور، می‌توان به تبیین دقیق‌تری از نسبت «محاسبات مادی (عقلانیت مشاهده‌محور)» و «وعده الهی (مبنای عقلانیت ایمان‌محور)» در جنگ بدر پرداخت. جنگ بدر، نه تنها یک رویارویی نظامی، بلکه تجلی‌گاه عملکرد یک نظام محاسباتی متفاوت بود که در آن، مؤمنان با وجود ضعف ظاهری در اسباب مادی، با اتکاء به وعده الهی و فعال‌سازی پارامترهای هوشمند، به نصرتی شگفت‌انگیز دست یافتند.

^{۷۹} رضا، محمد رشید، تفسیر المنار، ج ۱۰، ص ۳۱.

^{۸۰} طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۹۹.

اولاً، باید توجه داشت که آغاز این حرکت از سوی مسلمانان، خود مبتنی بر «وعدۀ الهی» بود: «وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ...».^{۸۱} این وعده، مبنای اولیه اقدام قرار گرفت، هرچند تمایل اولیه مؤمنان، چنانکه گذشت، به مواجهه با گزینه کم‌خطرتر و دارای منافع مادی بیشتر (کاروان تجاری یا «غَيْرِ ذَاتِ الشُّوْكَه») بود. این نشان می‌دهد حتی در دستگاه ایمان‌محور، محاسبات مادی و در نظر گرفتن منافع و مضار ظاهری، به طور طبیعی وجود دارد، اما اراده الهی و وعده‌های او می‌تواند این محاسبات را جهت‌دهی کرده و به سمت اهداف والایتری سوق دهد. در اینجا، اراده خداوند بر احقاق حق از طریق مواجهه با «ذات الشوکه» تعلق گرفته بود، که مستلزم کنار گذاشتن محاسبات اولیه و تسلیم در برابر تدبیر الهی بود.

ثانیاً، در طول واقعه بدر، مشاهده می‌شود که مؤمنان به طور کامل از اسباب مادی و تدابیر نظامی غافل نبودند. اقدام به تعقیب کاروان، مشورت پیامبر (ص) با اصحاب، و آمادگی برای نبرد، همگی نشان‌دهنده به‌کارگیری اسباب مادی در حد توان و امکانات موجود است. این امر، با اصل «وظیفه‌محوری» در عقلانیت قرآنی سازگار است، یعنی مؤمن موظف به تلاش و استفاده از اسباب در دسترس است، اما نباید به این اسباب اتکای استقلالی داشته باشد.

ثالثاً، و این نکته بسیار کلیدی است، تصمیم مؤمنان در این بزنگاه را می‌توان در چارچوب دورویکرد اصلی در نسبت عقل و ایمان تحلیل کرد. در تاریخ اندیشه غرب، دو دیدگاه شاخص در این زمینه وجود دارد: نخست، دیدگاهی که بر آن است که «باورهای ایمانی با عقل سازگار است» و از آن با عنوان «عقل‌گرایی» یاد می‌شود؛ و در مقابل، رویکردی که معتقد است «باورهای ایمانی با عقل ناسازگار است» و به آن «ایمان‌گرایی» می‌گویند.^{۸۲} با این حال، هر دورویکرد با چالش‌هایی مواجه‌اند. عقل‌گرایی افراطی، با طرح معیارهای سختگیرانه، راه را بر باورمندی دشوار می‌سازد، چرا که «هیچ مجموعه باور دینی ای قادر به احراز و کسب همه معیارهای سخت اثبات عقلانی ای که باید بر تمام باورها حکمفرما باشند نیست».^{۸۳} از سوی دیگر، ایمان‌گرایی نیز با این نقد اساسی روبروست که در مواجهه با کثرت «ادیان گوناگون» که «دعای متفاوت و گاهی متناقضی دارند... باید گزینش کنیم. حال پرسش این است که بر چه اساسی این گزینش صورت بگیرد».^{۸۴} در برابر این دورویکرد، الگوی قرآنی، «دستگاه محاسباتی ایمان‌محور» را به عنوان راه سوم معرفی می‌کند که عقلانیت مادی را نه نفی، بلکه در چارچوب جامع‌تر «نظام طولی اسباب» بازتعریف می‌نماید. در این دستگاه، «وعدۀ‌های وحیانی» و «سنت‌های تخلف‌ناپذیر الهی» به مثابه متغیرهایی قطعی و حاکم بر اسباب مادی در نظر گرفته می‌شوند. از این منظر، اتکای مؤمنان در واقعه بدر، نه تعطیل عقل، بلکه دقیقاً عملکرد این دستگاه محاسباتی بود: یک «اولویت‌بخشی» هوشمندانه که در آن، وعده صریح الهی - به دلیل تحقق شروطش - بر داده‌های برخاسته از محاسبات صرفاً مادی غلبه یافت.

^{۸۱} انفال: ۷

^{۸۲} محمدرضایی، «رابطه عقل و ایمان»، ۱۲.

^{۸۳} علیزاده، سلیمانی آملی و رجایی لیکوهی، «بررسی فلسفی رابطه عقل و ایمان»، ۱۴۷.

^{۸۴} محمدرضایی، «رابطه عقل و ایمان»، ۲۸.

عامل/محور	ارزیابی از منظر محاسبات صرفاً مادی (دیدگاه منافقان/کفار)	ارزیابی از منظر عقلانیت ایمان محور (دیدگاه مؤمنان/قرآن)
۱. تعداد و تجهیزات نیروها	مؤمنان: اندک و ضعیف («أَذِلَّةٌ»؛ کفار: بسیار و قوی	عامل تعیین کننده نهایی نیست؛ نصرت از جانب خداست («وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»)
۲. وعده های الهی	غیر قابل اتکاء، فریب («غُرُورًا»)	قطعی، تخلف ناپذیر، مبنای اصلی اقدام و امید
۳. امدادهای غیبی (ملائکه و...)	انکار یا نادیده گرفتن	اسباب واقعی و مؤثر در تحقق نصرت، بشارت و اطمینان بخش
۴. پارامترهای معنوی (ایمان، صبر، تقوا، استغاثه)	بی تأثیر یا کم اهمیت در نتیجه نظامی	شروط و کلیدهای اصلی جلب نصرت الهی و فعال سازی سنت های غیبی
۵. اراده و تدبیر الهی	نادیده گرفتن یا انکار نقش مستقیم خداوند در وقایع	حاکم بر تمام اسباب، تعیین کننده نهایی نتایج، و دارای اهداف حکیمانه
۶. نتیجه نهایی قابل پیش بینی	شکست قطعی یا بسیار محتمل برای مؤمنان	پیروزی برای مؤمنان (در صورت تحقق شروط) بر اساس وعده الهی

تصویر ۱ جدول: مقایسه عوامل مؤثر در جنگ بدر از دو دیدگاه؛

نشان دادن تفاوت در ارزیابی عوامل مؤثر از دیدگاه مادی گرا و دیدگاه ایمان محور.

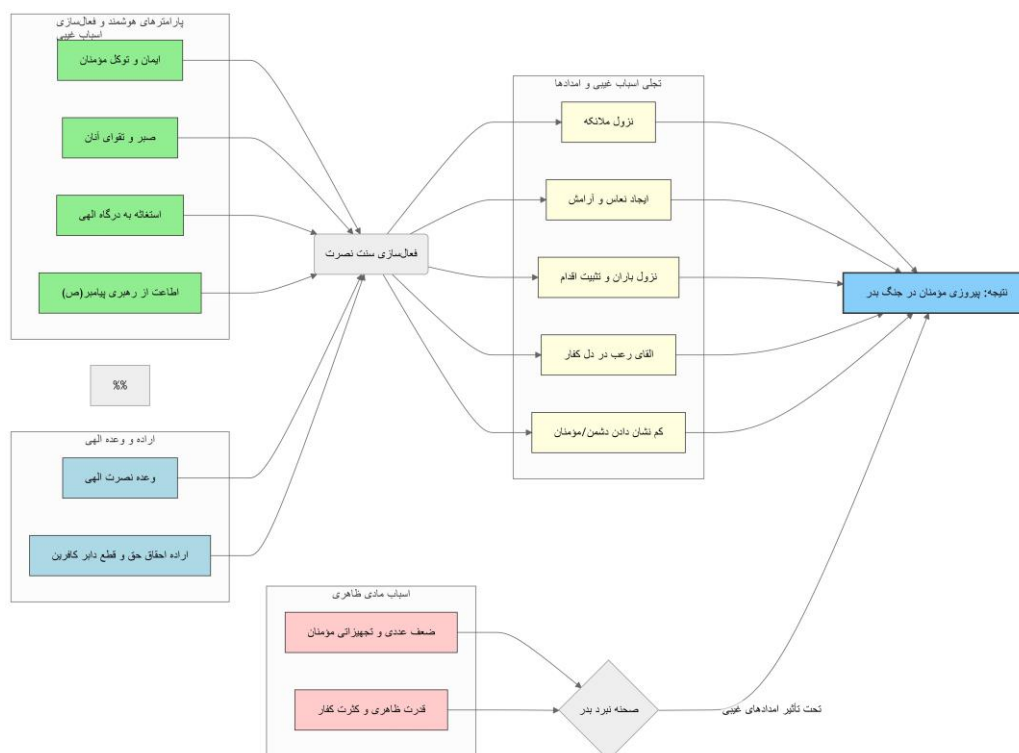
رابعاً، تحقق پیروزی در جنگ بدر، نه از طریق غلبه اسباب مادی مؤمنان بر کفار (که با توجه به تفاوت فاحش امکانات، متصور نبود)، بلکه عمدتاً از طریق فعال شدن «اسباب غیبی» و جاری شدن «سنت های الهی» بود. نزول ملائکه، ایجاد نعاس و آرامش، نزول باران برای تثبیت قدم ها، و القای رعب در دل کافران، همگی تجلیات عملکرد این اسباب غیبی بودند که فراتر از محاسبات مادی، نتیجه جنگ را به نفع مؤمنان رقم زدند. این امر، مؤید «نظام سلسله مراتبی اسباب» است که در آن، اسباب غیبی و اراده الهی در لایه های بالاتر، می توانند عملکرد اسباب مادی را تحت تأثیر قرار داده و جهت دهی کنند. این امدادها، به تعبیر قرآن، برای «بشارت» و «اطمینان قلبی» مؤمنان نیز بود تا در آن شرایط سخت، ایمانشان تقویت شده و با اراده ای قوی تر به نبرد ادامه دهند.

خامساً، این واقعه، درسی بزرگ در باب «فراغت از طریق» در تحقق وعده های الهی بود. مؤمنان با وجود تمایل اولیه به طریقی خاص (درگیری با کاروان)، تسلیم اراده الهی برای پیمودن طریقی دیگر (درگیری با لشکر) شدند و خداوند نیز از طریقی غیرمنتظره (امدادهای غیبی)، وعده نصرت خود را محقق ساخت. این نشان می دهد که در دستگاه محاسباتی ایمان محور، نباید

به یک طریق مادی خاص برای رسیدن به نتیجه دلبسته بود، بلکه باید با انجام وظیفه و اعتماد به خداوند، منتظر تحقق وعده از هر طریقی که او صلاح بداند، بود.

سادساً، جنگ بدر را می‌توان نمونه‌ای از "سیر تربیتی ایمان" دانست؛ یعنی خداوند مؤمنان را در "امتحان اضطرارآور" قرار داد تا ایمانشان را بیازماید و آنان را از اتکای صرف به محسوسات، به سمت اعتماد عمیق‌تر به غیب و وعده‌های الهی سوق دهد. پیروزی در این شرایط، "بینه" و اتمام حجتی برای مؤمنان بود تا در آینده نیز با همین دستگاه محاسباتی ایمان‌محور، در مسیر حق گام بردارند («لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ...»)^{۸۵}.

بنابراین، نسبت میان «تدبیر عقلی» (مبتنی بر اسباب مادی) و «وعده نصرت الهی» (مبتنی بر اسباب غیبی و سنت‌های الهی) در واقعه بدر، نسبتی پیچیده و چندلایه است. این نسبت، نه نفی یکی به نفع دیگری، بلکه قرار گرفتن محاسبه مادی در چارچوب یک نظام محاسباتی جامع‌تر و الهی‌تر است که در آن، ایمان، توکل، انجام وظیفه، و اتکاء به وعده‌های تخلف‌ناپذیر خداوند، در کنار به‌کارگیری صحیح و حکیمانه اسباب مادی، مبنای تصمیم‌گیری و اقدام قرار می‌گیرد. در شرایطی مانند جنگ بدر که توازن قوای مادی به شدت به نفع دشمن بود، این «عقلانیت ایمان‌محور» بود که با اولویت دادن به وعده الهی و فعال‌سازی پارامترهای هوشمند، راه را برای تحقق نصری شگفت‌انگیز و «من حیث لایحتسب» هموار ساخت.



تصویر ۲ نمودار: تعامل اسباب مادی و غیبی در واقعه جنگ بدر- این نمودار نشان می‌دهد که جنگ بدر، صحنه تقابل اسباب مادی ظاهری (ضعف مؤمنان در برابر قدرت کفار) با اراده و وعده الهی بود.

۵.۲ تعمیم چارچوب نظری: شواهد قرآنی دیگر در حوزه دفاعی

الگوی اولویت‌بخشی به وعده الهی بر محاسبات مادی صرف، منحصر به واقعه بدر نیست و در سایر آیات دفاعی قرآن نیز قابل مشاهده است. دو نمونه برجسته عبارتند از:

الف) مواجهه با احتمال خیانت دشمن: در آیات ۵۸ تا ۶۲ سوره انفال، خداوند پس از دستور به آمادگی نظامی کامل (وَ أَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ)، به پیامبر (ص) می‌فرماید اگر دشمن پیمان‌شکن تمایل به صلح نشان داد، بپذیر و توکل کن. سپس بلافاصله تضمین می‌دهد: «وَ إِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ». این آیه به وضوح نشان می‌دهد که پس از انجام «وظیفه» در حد محاسبات متعارف (آمادگی و پذیرش صلح)، مدیریت ریسک‌های پیچیده‌تر و احتمال خدعه دشمن، به وعده کفایت الهی واگذار می‌شود و مبنای عمل قرار می‌گیرد.

ب) کارکرد تسلیحات؛ ارهاب نه غلبه: قرآن در آیه ۶۰ سوره انفال، هدف اصلی از آمادگی نظامی را ترساندن دشمن خدا و دشمنان خود (تُزْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ) معرفی می‌کند. اما در واقعه حنین، به صراحت توبیخ می‌کند که تکیه بر کثرت نیرو و تجهیزات هیچ فایده‌ای نداشت: «إِذْ أَعْجَبَكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا».^{۸۶} کنار هم قرار دادن این دو آیه، این تحلیل عمیق

را به دست می‌دهد که در عقلانیت قرآنی، کارکرد اصلی قدرت مادی، «بازدارندگی و ایجاد رعب پیش از نبرد» است، اما در صحنه نبرد، عامل تعیین‌کننده پیروزی نیست و هرگونه اتکای قلبی به آن، می‌تواند زمینه شکست را فراهم آورد.

۳ ثمرات دیدگاه (پیامدهای عملی اتخاذ دستگاه محاسباتی ایمان‌محور در عرصه دفاعی و راهبردی)

پذیرش و فهم عمیق نسبت میان محاسبات مادی و وعده نصرت الهی، آنگونه که در واقعه جنگ بدر تجلی یافت و در چارچوب «دستگاه محاسباتی ایمان‌محور» قابل تبیین است، ثمرات و پیامدهای عملی مهمی، به‌ویژه در حوزه حکمرانی دفاعی، نظامی و تصمیم‌گیری‌های راهبردی به همراه دارد. این دیدگاه، صرفاً یک تحلیل تاریخی یا نظری انتزاعی نیست، بلکه می‌تواند به عنوان یک الگوی کارآمد برای جوامع ایمانی در مواجهه با چالش‌ها و تهدیدات، به‌ویژه در شرایط عدم توازن قوای مادی، مورد استفاده قرار گیرد. پژوهش‌های میدانی نیز نشان داده‌اند که باور به آموزه‌هایی چون «نصرت دین خدا»، بیشترین تأثیر را در ارتقای روحیه جهادی نیروهای مسلح دارد.^{۸۷} این باور، موجب «احساس پناهگاه، خوش‌بینی به آینده، و شوق به استمرار فعالیت شجاعانه» می‌شود.^{۸۸}

یکی از مهم‌ترین ثمرات این دیدگاه، مشروعیت‌بخشی و ایجاد مبنای نظری برای «اقدام مبتنی بر توکل و ایمان» در شرایط کمبود امکانات مادی و غلبه ظاهری دشمن است. هنگامی که محاسبات صرفاً مادی، راه را برای اقدام مسدود یا بسیار پرخطر نشان می‌دهند، و یا حکم به انفعال و تسلیم در برابر قدرت برتر دشمن می‌کنند، عقلانیت ایمان‌محور، با اتکاء به وعده‌های تخلف‌ناپذیر الهی و با فراهم آوردن شروط و پارامترهای هوشمند لازم (چون ایمان، صبر، تقوا، وحدت، اطاعت از رهبری الهی و استغاثه)، افق جدیدی برای عمل و ابتکار می‌گشاید. جنگ بدر نشان داد که در چنین شرایطی، جامعه مؤمن می‌تواند با توکل بر خداوند و با انجام وظیفه خود در مقابله با ظلم و کفر، حتی با امکانات محدود، به میدان رفته و امید به نصرت الهی و تحقق وعده‌های او از طرق غیبی و "من حیث لایحسب" داشته باشد. این رویکرد، مانع از یأس، انفعال و خودباختگی در برابر قدرت‌های مادی ظاهری شده و روحیه مقاومت، جهاد و ایثار را در جامعه تقویت می‌کند.

ثمره دیگر، تغییر در اولویت‌ها و معیارهای تصمیم‌گیری راهبردی است. در دستگاه محاسباتی ایمان‌محور، صرف برتری مادی، تضمین‌کننده پیروزی نیست و صرف ضعف مادی نیز لزوماً به معنای شکست نخواهد بود. بلکه، عواملی چون حقانیت هدف، میزان ایمان و توکل، کیفیت رهبری، وحدت و انسجام داخلی، و رعایت تقوا و عدالت، به عنوان "پارامترهای هوشمند" و تعیین‌کننده، در کنار آمادگی مادی (به عنوان وظیفه)، مورد توجه قرار می‌گیرند. این امر، سیاست‌گذاران و فرماندهان نظامی را به سمت توجه همزمان به ابعاد مادی و معنوی قدرت سوق داده و از اتکای یک‌جانبه به عوامل سخت‌افزاری باز می‌دارد.

همچنین، این دیدگاه منجر به افزایش شجاعت، ریسک‌پذیری حساب‌شده و خلاقیت در طراحی و اجرای راهبردهای دفاعی می‌شود. وقتی فرماندهان و نیروهای نظامی به نصرت الهی و تأثیر اسباب غیبی باور داشته باشند، با جسارت بیشتری به طراحی

^{۸۷} رشید و ادرسیان، «تبیین آموزه‌های جهادی قرآنی»، ۲۴.

^{۸۸} موسوی‌زاده، «تبیین مولفه‌های وعده نصرت الهی»، ۵۰.

و اجرای تاکتیک‌ها و عملیات‌هایی می‌پردازند که شاید از منظر محاسبات صرفاً مادی، جسورانه یا حتی غیرممکن به نظر برسند. این همان "فراغت از طریق" است که می‌تواند به شکستن بن‌بست‌های نظامی و دستیابی به پیروزی‌های غیرمنتظره منجر شود.

علاوه بر این، فهم نقش "جنگ تحلیل‌ها" و "مکر در آیات" که دشمن برای سست کردن اراده مؤمنان به کار می‌گیرد، جامعه ایمانی را در برابر عملیات روانی و تبلیغات منفی دشمن، هوشیارتر و مقاوم‌تر می‌سازد. آن‌ها می‌آموزند که به وعده‌های الهی بیش از القانات یأس‌آور دشمن اعتماد کنند و با بصیرت، تحلیل‌های صحیح را از ناصحیح تمیز دهند.

در نهایت، این دیدگاه، افق امید به آینده و پیروزی نهایی جبهه حق را همواره زنده نگه می‌دارد. حتی در سخت‌ترین شرایط و در مواجهه با قدرتمندترین دشمنان، مؤمنانی که با عقلانیت ایمان‌محور می‌اندیشند و عمل می‌کنند، هرگز از رحمت و نصرت الهی مأیوس نشده و با استقامت و پایداری، مسیر خود را تا تحقق وعده‌های الهی ادامه می‌دهند. این امیدواری فعال، خود یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌های معنوی جامعه اسلامی در مواجهه با چالش‌هاست. این الگو، جهاد اسلامی را نه یک اقدام تهاجمی برای توسعه سرزمینی، بلکه اصولاً «دفاعی» و در چارچوب مفهوم موسّع «دفاع مشروع» در حقوق بین‌الملل تعریف می‌کند که هدف آن دفع تجاوز و حفظ کیان جامعه اسلامی است.^{۸۹} این منطق قرآنی تنها به حوزه نظامی محدود نمی‌شود. برای مثال، در حوزه اقتصادی نیز «سنت رزق» نشان می‌دهد که تقدیر الهی مشروط به طلب و تلاش انسان است و عوامل معنوی مانند تقوا، می‌تواند موجب نزول رزق «من حیث لا یحتسب» شود.^{۹۰} همچنین در دفع بلایا، نقش امام معصوم (عج) نیز به عنوان یک عامل معنوی، در چارچوب همین نظام طولی اسباب و منوط به شرایطی خاص قابل درک است.^{۹۱}

۴ نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین نسبت میان «تدبیر عقلی» و «وعده نصرت الهی»، نشان داد که در منظومه قرآنی، این دو در تقابل با یکدیگر قرار ندارند، بلکه «تدبیر عقلی» در چارچوب یک نظام محاسباتی جامع‌تر با عنوان «عقلانیت ایمان‌محور» تعریف می‌شود. یافته اصلی آن است که در شرایط تعارض ظاهری میان محاسبات مادی و وعده الهی، اولویت بخشی به وعده الهی نه یک کنش احساسی یا ایمان‌گرایانه صرف، بلکه خود مبتنی بر عقلانیتی متعالی است که به سنت‌های تخلف‌ناپذیر الهی و تأثیر اسباب غیبی باور دارد و بر اساس ضوابطی دقیق عمل می‌کند.

این عقلانیت ایمان‌محور، عملکردی ضابطه‌مند دارد. تحلیل واقعه بدر نشان داد که گذار از محاسبات مادی به اتکای بر وعده الهی، تنها در صورت تحقق شروطی دقیق امکان‌پذیر است. این شروط عبارتند از: الف) وجود وعده یا امر صریح الهی به عنوان مبنای اقدام، ب) فعال‌سازی «پارامترهای هوشمند» (چون ایمان، صبر و تقوا) از سوی جبهه مؤمنان، ج) وجود رهبری الهی و اطاعت از او، و د) اتمام حجت در به‌کارگیری اسباب مادی تا حد توان. با تحقق این شروط، خداوند از

^{۸۹} موسوی خراسانی و ایروانی، «موازنه‌ی آیات جهاد»، ۱۸۷، ۲۰۵؛ حب‌الله، دراسات فی الفقه الإسلامی، ج ۱، ۷۷.

^{۹۰} افضلی، «مدیریت اسلامی، مدیریت مبتنی بر سنت‌های الهی»، ۲۷-۲۵.

^{۹۱} ترخان، «تحلیل سنت‌شناختی بر نقش فاعلی امام زمان (عج)»، ۳۹.

طریق به کارگیری «اسباب غیبی» و مدیریت حکیمانه شرایط، تحقق وعده خود را به نحوی که فراتر از محاسبات مادی است، تضمین می کند.

دستآورد اصلی این پژوهش، ارائه یک چارچوب تحلیلی برای تصمیم گیری در شرایط عدم توازن قواست. این مدل نشان می دهد که در حوزه راهبردی و دفاعی، می توان با اتکال به وعده های الهی و فراهم آوردن شروط معنوی آن، به اقدام و مقابله با دشمن پرداخت و امید قطعی به نصرت داشت. این رویکرد، ضمن تأکید بر لزوم استفاده از تمام ظرفیت های مادی، افق جدیدی برای عمل بر اساس باور به امداد های غیبی و سنت های تخلف ناپذیر الهی می گشاید و راهگشای مؤمنان در بزنگاه های دشوار تاریخی و تصمیم گیری های سرنوشت ساز است.

نسخه پیش انتشار

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابراهیمیان، سید حسین؛ زهره ربیعی؛ و محبوبه بسممل. «شیوه‌های نزول امدادهای غیبی بر مومنین از منظر آیات قرآن». فصلنامه مطالعات تفسیری ۶، ش ۲۴ (۱۳۹۴): ۱۵۷-۱۷۶.
۳. ابن عاشور، محمد طاهر. تفسیر التحریر و التنویر. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
۴. ابن قتیبہ، عبدالله بن مسلم. تفسیر غریب القرآن. بیروت: دار و مکتبة الهلال، ۱۴۱۱ ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۳۷۲ ق.
۶. اخلاصی، مهدی. «تأثیر عوامل فرامادی در نظام هستی: عاملیت الهی در قرآن». پژوهش نامه نقد آراء تفسیری. ۴، ش ۱ (۱۴۰۲): ۲۵۱-۲۸۷.
۷. اعرابی، غلامحسین. «مبانی قرآنی و روایی مقاومت در کلام مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)». فصلنامه مطالعات علوم قرآن ۲، ش ۳ (۱۳۹۹): ۱۶۴-۱۴۶. doi: ۲۰۸۱.۱۰/jqss.۲۰۸۱.۹/۶۸۹۰۹/۲۰۲۰.
۸. افضل، علیرضا. «مدیریت اسلامی، مدیریت مبتنی بر سنت‌های الهی (مورد مطالعه: سنت رزق)». فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ش ۵ (۱۳۹۵): ۳۴-۸. doi: ۲۰۸۱.۱۰/jqss.۲۰۸۱.۹/۶۸۹۰۹/۲۰۲۰.
۹. آقا صفری، علی؛ باقر ریاحی مهر؛ و عباس خان فاضل اف. «مستندات قرآنی دیدگاه مقام معظم رهبری درباره شرایط بهره‌مندی از امدادهای غیبی». دوفصلنامه مطالعات قرآنی پژوهی نور ۶، ش ۱۲ (۱۴۰۰): ۱۳۷-۱۰۵.
۱۰. آقاجانی، نصرالله. «ویژگی‌ها و انواع سنت‌های الهی در تدبیر جوامع». فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی ۲، ش ۳ (۱۳۹۳): ۶۰-۳۲.
۱۱. انصاریان، حسین. ترجمه قرآن. قم: اسوه، ۱۳۸۳.
۱۲. برمضان، طیب. «منظومة السنن الإلهية في القرآن الكريم ودورها في التأصيل لفقه الحضارة الإسلامية». مجلة قرطاس للدراسات الحضارية والفكرية ۱۱، ش ۰۲ (۲۰۲۳ م): ۸۵-۵۱.
۱۳. بغدادی، علاء الدین علی بن محمد. لباب التاویل فی معانی التنزیل. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۱۴. بنایی، علی. «سنت امداد و گونه‌های آن در قرآن کریم». فصلنامه مطالعات قرآنی ۹، ش ۳۵ (۱۳۹۷): ۷۳-۴۷.
۱۵. بیگی، محمد حسن، و عبدالواحد قادری. «غزوه بدر در نگاه متفاوت قرآن و سیره‌نویسان». فصلنامه مطالعات تاریخی جنگ ۱، ش ۱ (۱۳۹۵): ۱۸-۱.
۱۶. ترخان، قاسم. «تأملی در قوانین فرامادی پیشرفت بر اساس سنت‌های اجتماعی الهی». فصلنامه حکمت اسلامی ۵، ش ۱ (۱۳۹۷): ۱۵۲-۱۲۵.

۱۷. ترخان، قاسم. «تحلیل سنت‌شناختی بر نقش فاعلی امام زمان (عج)». فصلنامه پژوهش‌های اعتقادی - کلامی ۱۱، ش ۴۴ (۱۴۰۰): ۲۷-۵۰.
۱۸. ترخان، قاسم. «نقش و تأثیر علل و عوامل فرامادی در بلایای طبیعی». بسات ۲۵، ش ۹۶ (۱۳۹۹): ۳۵-۶۵.
۱۹. جعفریان، رسول. «نبرد بدر». نشریه میقات حج، ش ۹ (پاییز ۱۳۷۳): ۵۷-۷۸.
۲۰. حب‌الله، حیدر. دراسات فی الفقه الإسلامی المعاصر. جلد ۱. بیروت: [نشر به صورت دیجیتال]، ۲۰۱۱ م.
۲۱. حبیبی سی‌سرا، مرتضی. «بررسی و تحلیل سنت امداد در جهاد از دیدگاه قرآن». پژوهش‌های دفاعی امنیتی اسلام ۱، ش ۲ (۱۴۰۳): ۱۸۲-۲۰۳. doi: 10.2034/ids.2025.214345.
۲۲. خواجه‌پور، محمد مهدی. «عالم اسباب و چگونگی تأثیر و تأثرپذیری آن در قرآن». دوفصلنامه عیون ۲، ش ۲ (۱۳۹۴): ۱-۲۰.
۲۳. رشید، غلامعلی، و محمد ادریس‌یان. «تبیین آموزه‌های جهادی قرآنی مؤثر بر روحیه‌ی جهادی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی». فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژی ۱۶، ش ۷۲ (۱۳۹۷): ۵-۲۶.
۲۴. رضا، محمد رشید. تفسیر القرآن الحکیم (الشهر بتفسیر المنار). بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۴ ق.
۲۵. روشن‌ضمیر، محمد ابراهیم. «شرایط برخورداری از امدادهای ویژه الهی در نگره قرآنی مقام معظم رهبری (مدّ ظله العالی)». نشریه مشکوة ۳۹، ش ۱۴۹ (۱۳۹۹): ۱۰۷-۱۲۹.
۲۶. ساجدی، علی محمد و فاطمه زارع. «توحید افعالی در نظام فلسفی ملاصدرا». فلسفه و کلام اسلامی ۴۷، ش ۱ (بهار و تابستان ۱۳۹۳): ۸۱-۱۰۲. <https://doi.org/10.22059/jitp.2014.51020>.
۲۷. سیدی فرد، سید علی. «سنت‌های الهی و حساسیت به داده‌های تجربی: ملاحظات مفهومی و توصیه‌هایی روشی». فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ش ۲۵ (۱۴۰۰): ۱۱-۲۵.
۲۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۰۴ ق.
۲۹. شیخ شعاعی، محمد. تدبیر معیشت در کتاب و سنت. قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۸.
۳۰. صادقی تهرانی، محمد. البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن. قم: انتشارات محمدصادقی تهرانی، ۱۴۱۹ ق.
۳۱. صدر، سید محمد باقر. سنت‌های تاریخ در قرآن. ترجمه سید جمال الدین موسوی اصفهانی. تهران: انتشارات تفاهم، ۱۳۸۱.
۳۲. طباطبایی، محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن. ۲۰ جلد. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.

۳۳. طباطبایی، محمد حسین. نهاية الحکمة. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۴۱۶ ق.

۳۴. طبرسی، فضل بن حسن. تفسیر جوامع الجامع. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۴۱۲ ق.

۳۵. طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.

۳۶. طوسی، محمد بن الحسن. الأمالی (للطوسی). قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.

۳۷. علیزاده، یاسر، حسین سلیمانی آملی، و عبدالله رجایی لیتکوهی. «بررسی فلسفی رابطه عقل و ایمان و تاثیر آن بر معرفت و شناخت دینی انسان». اندیشه‌های فلسفی و کلامی ۳، ش ۶ (زمستان ۱۴۰۲): ۱۴۳-۱۶۹.

۳۸. فخر رازی، محمد بن عمر. التفسیر الكبير (مفاتیح الغیب). بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.

۳۹. قطب، سید ابراهیم. فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروق، ۱۴۲۵ ق.

۴۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. بحار الأنوار (ط- بیروت). بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۴۱. محقق سبزواری، ملاهادی. شرح المنظومة. تحقیق علامه حسن زاده. تهران: نشر ناب، ۱۳۷۹.

۴۲. محمدرضایی، محمد. «رابطه عقل و ایمان (یا فلسفه و دین)». فلسفه و کلام اسلامی ۱۰، ش ۳۵ (زمستان ۱۳۸۴): ۱۱-۳۴.

۴۳. مصباح یزدی، محمدتقی. جامعه و تاریخ از نگاه قرآن. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، ۱۳۹۱ ش.

۴۴. مطهری، مرتضی. مجموعه آثار استاد شهید مطهری. تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۴ ش.

۴۵. مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.

۴۶. موسوی خراسانی، سید محمدحسن، و جواد ایروانی. «موازنه‌ی آیات جهاد در قرآن با توسل به زور در حقوق بین‌الملل». فصلنامه پژوهش‌های تطبیقی حقوق اسلام و غرب ۶، ش ۲ (۱۳۹۸): ۲۰۸-۱۸۳.

۴۷. موسوی زاده، سید ابوالفضل. «تبیین مولفه‌های وعده نصرت الهی در قرآن مبتنی بر جهاد تبیین مقام معظم رهبری». فصلنامه سیاست پژوهی تحول در علوم انسانی ۲، ش ۶ (۱۴۰۲): ۶۱-۴۷.

۴۸. نصیر الدین طوسی، محمد بن محمد. شرح الاشارات و التنبیها مع المحاکمات. قم: نشر البلاغة، ۱۳۷۵.

۴۹. واقدی، محمد بن عمر. کتاب المغازی. بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۴۰۹ ق.

۵۰. یعقوبی، احمد بن اسحاق. تاریخ یعقوبی. بیروت: دار صادر، بی‌تا.